

### متن پرسش

سلام استاد: در حال خواندن کتاب معرفت نفس و حشر هستم. احساس می‌کنم این همه معارف مرا دارند به جایی می‌برند که گنجایشش را ندارم، نمی‌دانم چه می‌شود آنقدر حیرت می‌کنم که گاهی می‌ترسم سطر بعدی کتاب را بخوانم، با خود می‌گویم این چه دریایی است که نهایت ندارد، این چه سیر از کثرت به وحدتی است که ته ندارد، می‌ترسم از این همه حجم نور و گاهی با خود می‌گویم کتاب را ببند! سبحان الله! استاد عزیز نمی‌دانم این چه آشنایی بود با شما که دیگر جز کتب شما و جلسات شنبه شب و مطالعه فصوص و اسفار و مولوی و بودن با دوستان اینچنینی و پیگیری مباحث مربوط به انقلاب امام راحل هیچ چیز دیگر برایم چیز نیست و علاقه‌ای به هیچ چیز جز اینها ندارم. می‌خواهم تمام شبانه روز در این احوال باشم و حیرتم بیشتر شود. ما شاگردان کوچک را سیراب می‌کنید با کتبتان، همه برایم غریبه شده‌اند حتی خودم، تنها آشنایم شماست و حاج آقای موسویان و این کتب و دوستانی که در این وادی اند! جزاکم الله خیر الجزاء. ایدکم الله بنصره ان شاءالله.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مهم جوابگویی به حضوری است که این انسان در این زمان نیاز دارد تا جایگاه قرآن، آری! جایگاه قرآن برایش معلوم شود و از این جهت ما از ریشه‌های خود برای حضور در امروز و فردای خود نباید غفلت کنیم بخصوص از طلوعی که با جناب صدرالمتألهین آغاز شد. موفق باشید